

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر پل کرگ رابرتس-Paul Craig Roberts

برگردان از: حمید محوی

۲۵ مارچ ۲۰۱۳

## هوگو چاوز : دوست مردم ایالات متحده، دشمن برتری جوئی و بی عدالتی واشینگتن



۵ مارچ ۲۰۱۳، هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا و رهبر جهانی ضد امپریالیسم، درگذشت. و موجب شد که امپریالیست های واشینگتن و فاحشه رسانه های حاضر به خدمت و اتاق های فکری نفس راحت پر سر و صدائی بکشند، به همین گونه مردم ایالات متحده که تحت شست و شوی مغزی دائمی هستند نفس راحتی کشیدند : «یکی از دشمنان ایالات متحده» رفت.

ولی چاوز دشمن ایالات متحده نبود. او دشمن برتری جوئی واشینگتن بود که علیه کشورها اعمال می کند، او دشمن اتحاد واشینگتن با گروهی از رهبران برگزیده بود که ملت ها را چپاول می کنند، ستم می کنند و از مدد رسانی اجتناب می ورزند. او دشمن بی عدالتی واشینگتن بود، او دشمن سیاست خارجی واشینگتن بود که روی دروغ و تجاوز نظامی و بمب و تسخیر کشورها بنا شده است.

واشینگتن ایالات متحده امریکا نیست. واشینگتن زادگاه ابلیس است. چاوز دوست حقیقت و عدالت بود، و چنین موضوعی موجب شد که شهرت خوبی در جهان غرب نداشته باشد، یعنی جائی که هر سیاستمداری به حقیقت و عدالت به مثابه تهدیدی جدی نگاه می کند.

در جهان، چاوز یک رهبر بود. خلاف سیاستمداران امریکائی، در سرتاسر جهان غیر غربی به چاوز احترام می گذاشتند. او از چین، روسیه، برزیل و بسیاری از کشورهای دیگر عنوان دکتری افتخاری دریافت کرد ولی نه از هاروارد، یال، کمبریج یا آکسفورد.

چاوز یک معجزه بود. او معجزه بود زیرا او خود را به ایالات متحده و به طبقه ممتاز ونزولنا فروخت. اگر او خودش را فروخته بود، می توانست با پول نفت مانند خانواده سلطنتی سعودی به ثروت هنگفتی دست پیدا کند و از احترامی که واشینگتن برای عروسک هایش قائل است برخوردار شود: با مهمانی باشکوه در کاخ سفید. او اگر به خدمت واشینگتن در می آمد می توانست به یک دیکتاتور مادام العمر تبدیل شود.

هر یک از عروسک های واشینگتن، از آسیا تا اروپا و در خاور میانه با نگرانی منتظر است که واشینگتن از خدمتگذاری او به قدرت امپریالیستی قدردانی کند، یعنی قدرتی که ژاپن و المان را پس از گذشت ۶۸ سال از پایان جنگ دوم جهانی هنوز در اشغال خود دارد، و در کوریای جنوبی نیز ۶۰ سال پس از پایان جنگ کوریا، و در بسیاری از کشورهای «حاکم» قطعات و پایگاه های نظامی ایجاد کرده است.

از دیدگاه سیاسی برای چاوز راحت تر بود که خودش را بفروشد. تمام کاری که او انجام داد ادامه گفتن پوپولیستی، ارتقاء متحدانش در ارتش، تقسیم درآمدها با قشر پائین پرولتاریا بود که پیش از این هرگز تصورش را هم نمی کردند و تقسیم بقیه درآمدهای نفتی با برگزیدگان بزهکار ونزولنا.

ولی چاوز یک شخص واقعی بود، مثل رافائل کورنا، رئیس جمهور اکوادور که سه بار انتخاب شد و در مقابله با ایالات متحده مقاومت کرد و به جولین آسانژ پناهندگی سیاسی داد، و مثل اوو مورالس، نخستین رئیس جمهور بومی بولیوی از دوران حکومت اسپانیای فاتح. اکثریت ونزولنائی ها پی برده بودند که چاوز یک شخص حقیقی است. مردم او را چهار بار انتخاب کردند، و همچنان تا پایان عمر اگر زنده می ماند هم او را انتخاب می کردند. آنچه که واشینگتن بیش از همه از آن تنفر دارد همین است که شخص حقیقی قابل خرید نباشد.

هر اندازه سیاستمداران غربی و رسانه های خود فروخته چاوز را بیشتر ابلیس نمائی می کردند مردم ونزولنا او را بیشتر می ستودند. مردم کاملاً پی برده بودند که هر آنگاه ایالات متحده مهر محکومیت بر کسی وارد سازد، هم او بی گمان یک نوید آسمانی خواهد بود.

ایستادگی علیه واشینگتن هزینه دارد. تمام آنهایی که شهامت چنین کاری را داشته اند ابلیس نمائی شده و با کودتای سازماندهی شده توسط سی آی ای به قتل رسیده و سرنگون شده اند، به همان شکلی که چاوز در سال ۲۰۰۲، وقتی که برگزیدگان ونزولنائی تحت نظارت و هدایت سی آی ای چاوز را سرنگون کردند.

کودتا با دخالت مردم که خیابان ها را تسخیر کردند و عناصر نظامی با شکست مواجه شد، و پیش از آن که برگزیدگان حریص ونزولنائی به هدایت سی آی ای چاوز را از بین ببرند، او را نجات دادند، ولی خلاف آنها، چاوز از روی بشر دوستی اقدامی علیه کودتاچیان انجام نداد. مردم ونزولنا به شکل گسترده و هم زمان برای دفاع از چاوز قیام کردند و رسماً دروغ پراکنی های کاخ سفید و بوش را بر ملا ساختند و نشان دادند که چاوز آن گونه که کاخ سفید می گوید دیکتاتور نیست.

نیویورک تایمز با پشتیبانی از کودتای ضد دموکراتیک مشتی برگزیده علیه چاوزی که به شکل دموکراتیک انتخاب شده بود، بزهکاری کثیف خود را نشان داد و اعلام کرد که حذف چاوز توسط مشتی از ثروتمندان و مأموران سی آی ای به این معنا است که: «دموکراسی در ونزولنا دیگر در تهدید دیکتاتور نیست.»

دروغ پردازیها و ابلیس نمائی حتی با مرگ چاوز ادامه دارد. او را به خاطر دفاع از عدالت هرگز نخواهند بخشید. کورنا و مورالس نیز بخشیده نخواهند شد و آنها نیز نامشان در فهرست افرادی نوشته شده که باید به قتل برسند.

مفسران برخی از نشریات ایالات متحده (۱) تسلیمت های زهر آگین رسانه های خود فروخته را گردآوری کرده اند. این نشریات غالباً در مورد چاوز نوشته اند که مرگ شجاع ترین صدا در جهان را به خاموشی فرو برد (۲).

تفسیر پاملا سیمپسون (۳) روزنامه نگار بنگاه «آسوشیند پرس» احتمالاً پوچ ترین بوده است. به اعتقاد پاملا سیمپسون، چاوز ثروت حاصله از نفت را در «برنامه های اجتماعی، به انضمام بازاری که اداره آن را دولت به عهده داشت، اختصاص بودجه بیشتر به خانواده های فقیر، درمانگاه و بیمارستان رایگان، و برنامه های آموزشی» تلف می کرده است. چاوز به درستی از توان مالی استفاده نکرده در حالی که می توانست آسمان خراش بسازد، مانند «بزرگترین آسمان خراش جهان در دوی و شعبه های موزه لوور و گانگنهام در ابوظبی» (۴)

بین ده ها میلیون قربانی واشینگتن در جهان، مردم افغانستان، عراق، لیبیا، سودان، پاکستان، یمن، سومالی، سوریه، فلسطین، لبنان، مالی، و مردم ایران، روسیه، چین و امریکای لاتین که در انتظار تحریم، بی ثباتی، فتح سرزمینشان به سر می برند، سخنرانی هوگو چاوز در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد طی ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶، در زمان ریاست جمهوری بوش، فراموش نشدنی ترین سخنرانی آغاز قرن بیست و یکم باقی خواهد ماند.

چاوز با شیر، یا به طریق اولی با ابلیس رو در رو برخورد کرد: «دیروز، خود ابلیس در اینجا، پشت این تریبون ایستاده بود و به شکلی حرف می زد که گوئی جهان به او تعلق دارد، هنوز می توانید بوی گوگرد را حس کنید...

ما باید یک روانپزشک را فرابخوانیم تا بیانیه ای را که دیروز در اینجا رئیس جمهور ایالات متحده ایراد کرد مورد تحلیل قرار دهد. به عنوان سخنگوی امپریالیسم، آمده بود تا راه کارهای باطل شده اش را برای حفظ اشکال فعلی تسلط، بهره کشی و چپاول ملت های جهان مطرح سازد. این موضوع می تواند برای فلم های آلفرد هیچکاک به عنوان سناریو انتخاب شود. من حتی عنوانی برای آن پیشنهاد می کنم: «راه کار ابلیس».

اجلاس عمومی سازمان ملل متحد هرگز از این نوع سخنرانی ها به خود ندیده بود، حتی در دوران اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی. تبسم به نشان تشویق بر چهره حضار نشست ولی هیچ کس شهادت دست زدن را پیدا نکرد. پول امریکائی برای کشورشان خیلی اهمیت دارد. (یکی از خوانندگان یادآور شده است که اگر چه سخنرانی چاوز با دست زدن حضار متوقف نشد، ولی خیلی ها در پایان سخنرانی دست زدند».

نمایندگان ایالات متحده و بریتانیا مثل خون آشام هائی که گوئی با سیر و صلیب مواجه شده باشند محل را ترک کردند. چاوز از دموکراسی تقلبی برگزیدگان حرف زد که با زور «اسلحه و بمب» به دیگران تحمیل شده است.

چاوز پرسید «چه نوع دموکراسی را شما با نیروی دریائی و بمب تحمیل می کنید؟ مهم نیست به هر جایی که بوش نگاه می اندازد، افراطی ها را می بیند، و تو، برادر من، رنگ ترا نگاه می کند و می گوید «آه، او یک افراطی است». او و مورالس رئیس جمهور ارشمند بولیوی، برای او، یک فرد افراطی تلقی می شود. امپریالیست ها همه جا افراطی ها را پیدا می کنند. در واقع، نه به این علت که ما افراطگرا هستیم، بلکه به این علت که دنیا بیدار شده است. جهان بیدار شده و مردم به پا می خیزند».

در دو جمله بیست کلمه ای، چاوز برای همیشه واشینگتن را در آغاز قرن بیست و یکم تعریف کرد: «امپراتوری از حقیقت می ترسد، از صدای استقلال می ترسد. ما را افراطگرا می نامد، در حالی که افراطگرا خود اوست».

در سر تا سر امریکای جنوبی و در جهان غیر غربی، مرگ چاوز به واشینگتن نسبت داده شده است. امریکای جنوبی ها جلسات کنگره سال های ۱۹۷۰ را به یاد دارند، وقتی که کمیسیون چرچ (۵) طرح های متنوع سی آی ای را برای مسموم کردن فیدل کاسترو افشاء کرد.

پرونده رسمی که توسط فرمانده مرکز فرماندهی به رئیس جمهور کندی تحویل داده شد، عنوان عملیات «نورث وود» (۶) را بر خود داشت که حالا برای همگان شناخته شده است و آنلاین قابل دسترسی می باشد (۷). عملیات «نورث وود» عبارت بود از حمله به شهروندان ایالات متحده زیر پرچم تقلبی تا متعاقباً کوبا را متهم کنند و افکار عمومی در

ایالات متحده و تمام جهان بتوانند بپذیرند که ایالات متحده به کوبا تغییر رژیم جدیدی را تحمیل کند. رئیس جمهور جان اف کندی این طرح را غیر اخلاقی و مغایر با دولتی مسؤول دانست و تأیید نکرد.

در امریکای جنوبی قویا بر این باور هستند که واشینگتن تکنولوژی های مرگبار خود را برای مسموم ساختن چاوز به سرطان به کار بسته است تا او را که مانع گسترش سیطره حاکمیت واشینگتن در امریکای جنوبی بود، از سر راه خود بردارد.

چنین باوری هرگز نمی میرد : چاوز بزرگترین مرد امریکای جنوبی پس از سیمون بولیوار توسط واشینگتن به قتل رسید. حقیقت یا افسانه : ولی چنین باوری روی سنگ حک شده است. در حالی که واشینگتن و جهانی گرائی کشور های بیشتری را به ویرانی می کشاند، زندگی برگزیدگان و صاحب امتیازان بیش از پیش دچار مخاطره می گردد.

رئیس جمهور فرانکلن دلانو روزولت پی برده بود که امنیت ثروتمندان مستلزم امنیت اقتصادی طبقات پائینی است. در نتیجه روزولت شکلی از اشکال ضعیف دموکراسی اجتماعی را در ایالات متحده ایجاد کرد، شکلی از دموکراسی که سیاستمداران اروپایی پیش از او به ضرورت آن برای انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی و اقتصادی پی برده بودند.

رژیم های کلینتون، بوش و اوباما تصمیم گرفتند تا ثباتی را که روزولت فراهم آورده بود از بین ببرند، دقیقاً مانند تاچر، میجر، بلر و نخست وزیر کنونی بریتانیا، که توافقات اجتماعی بین طبقات را در انگلستان مین گذاری کرده اند. سیاستمداران کانادائی، در استرالیا و در زلاند جدید، آنها نیز دچار همین اشتباه شده اند و قدرت را به بهای بی ثبات سازی اقتصادی و اجتماعی به برگزیدگان و صاحبان امتیازات خصوصی سپرده اند.

جرالد سلانت (۸) - آینده شناس امریکائی - پیشبینی کرده است که برگزیدگان و نخبگان زیر بار خشم و نفرتی که به خود جذب کرده اند دوام نخواهند آورد. من حدس می زنم که پیشبینی او صحیح است. طبقه متوسط ایالات متحده، طبقه کارگر تحول یافته به پرولتاریا را ویران می کنند، و به همین ترتیب بیمه های اجتماعی تا کسری بودجه به دلیل فقدان مالیات بر درآمد را جبران کنند، تغییر مکان، مخارج جنگ، پایگاه های نظامی در خارج و نجات صاحبان ثروت مالی. مردم ایالات متحده باید تحمل کنند تا برگزیدگان و نخبگان بتوانند برنامه های خودشان را به پیش ببرند.

نخبگان امریکائی کاملاً می دانند که چه اتفاقی روی خواهد داد. به همین علت وزارت امور داخلی را با ساخت و ساز نازی تحت عنوان «وزارت امنیت داخلی» ایجاد کرده اند و به اندازه ای مهمات تدارک دیده اند که می توانند هر امریکائی را پنج بار به قتل برسانند به علاوه تانک تهاجمی برای خنثی سازی دومین حکم قانون اساسی امریکا. (۹) اسلحه کمری و تفنگ علیه تانک تهاجمی بی تأثیر است، همان گونه که در مورد ماجرای فرقه داویدیان در شهر ویکو در ایالت تگزاس دیدیم.

حفاظت از یک اقلیت ناچیز از برگزیدگان علیه شهروندان ایالات متحده که تحت فشار قرار داده اند، برای پولیس یکی از دلایلی را تشکیل می دهد که به نیروی نظامی تبدیل شود و تحت کنترل واشینگتن و ارتش قرار بگیرد، و با استفاده از هواپیماهای بی خدمه (پهپاد) رهبران اصلی مردم ایالات متحده را به قتل برساند، که نه در کاخ دادگستری بلکه در خیابان به سر می برند. (۱۰)

اسارت گاه ها در ایالات متحده کاملاً واقعی بوده و هیچ ارتباطی با نظریه توطئه ندارد. (۱۱)

تهدیدی که دولت ایالات متحده برای شهروندان امریکائی به وجود آورده توسط دو سناتور ایالات متحده، تد کروز (جمهوری خواه از تگزاس) و راند پل (جمهوری خواه از کنتوکی) به تاریخ ۷ مارچ ۲۰۱۳ بازشناسی شده است. این دو سناتور طرح قانونی خود را برای جلوگیری از دولت ایالات متحده برای قتل شهروندان خود : «دولت فدرال نمی تواند از پهپاد برای کشتن شهروندان ایالات متحده که در خاک این کشور به سر می برند استفاده کند، مگر این که بی هیچ ابهامی ثابت شده باشد که فرد مربوطه برای دیگران خطر جانی دارد. هیچ موردی غیر از این نمی تواند قانون

اساسی را به شکلی تعبیر کند که قتل شهروندان ایالات متحده را در خاک این کشور، بی آن که دادگاه برای آن تصمیم گرفته باشد، مجاز بداند.» (۱۲)

«آدم های مهم و اساسی» با دار و دسته رؤسای جمهورشان بوش و اوباما قرن بیست و یکم را با مرگ و خشونت آغاز کردند. چنین امری تنها ارثی است که بر جا می گذارند. مرگ و خشونتی که واشینگتن به پا کرده است، علیه واشینگتن و برگزیدگان و نخبگان سیاسی بزهکار باز خواهد گشت. همان گونه که جerald سلاند می گوید، نخستین جنک بزرگ قرن بیست و یکم آغاز شده است.

Article original en anglais :

**Hugo Chavez: Friend of the American People, Enemy of US Hegemony and Washington's Injustice, 13 mars 2013**

بی نوشت :

- 1) *CounterPunch, de Fairness & Accuracy in Reporting*
- 2) <http://www.counterpunch.org/2013/03/08/obituaries-for-hugo-chavez/> <http://fair.org/take-action/media-advisories/in-death-as-in-life-chavez-target-of-media-scorn/>
- 3) Pamela Sampson
- 4) <http://www.fair.org/blog/2013/03/06/ap-chavez-wasted-his-money-on-healthcare-when-he-could-have-built-gigantic-skyscrapers/>
- 5) Commission Church
- 6) *Northwoods*
- 7) [http://en.wikipedia.org/wiki/Operation\\_Northwoods](http://en.wikipedia.org/wiki/Operation_Northwoods)
- 8) Gerald Celente
- 9) <http://www.informationclearinghouse.info/article34259.htm> <http://www.forbes.com/sites/ralphbenko/2013/03/11/1-6-billion-rounds-of-ammo-for-homeland-security-its-time-for-a-national-conversation/>
- 10) <http://www.globalresearch.ca/the-militarization-of-law-enforcement-in-america-use-of-military-technology-and-tactics-by-local-level-police/5326303>
- 11) <http://www.youtube.com/watch?v=FfkZ1yri26s> <http://info.publicintelligence.net/USArmy-InternmentResettlement.pdf>
- 12) <http://www.cruz.senate.gov/record.cfm?id=339952>
- 13)

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۴ مارچ ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۲۰ مارچ ۲۰۱۳

منطقه : امریکای لاتین و کارائیب، ایالات متحده  
مضمون : تاریخ، جامعه و فرهنگ، قانون و عدالت

<http://www.mondialisation.ca/hugo-chavez-ami-du-peuple-et-america-ennemi-de-l-hegemonie-et-de-l-injustice-de-washington/5327373>